

تهران چگونه پایتخت شد؟

۹ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۴۵

تهران سالها پیش شهری بود به وسعت تقریبی ۲۱ کیلومتر مربع که تعداد جمعیتش را بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر تخمین می زدند. تعداد جمعیت شهر از آن جهت معلوم نبود که هنوز آمار و احصایه معمول نشده، داشتن شناسنامه هم باب نشده بود و تا موقعی که اولین سرشماری انجام گرفت تعداد جمعیت شهر را با حدس و گمان تخمین می زدند.

تهران سالها پیش شهری بود به وسعت تقریبی ۲۱ کیلومتر مربع که تعداد جمعیتش را بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر تخمین می زدند. تعداد جمعیت شهر از آن جهت معلوم نبود که هنوز آمار و احصایه معمول نشده، داشتن شناسنامه هم باب نشده بود و تا موقعی که اولین سرشماری انجام گرفت تعداد جمعیت شهر را با حدس و گمان تخمین می زدند. تهران صورت ۸ ضلعی ناقص الاضلاعی داشت که با خندقی که به دورش حفر کرده بودند از اراضی اطرافش جدا می شد و ارتباط آن با خارج شهر تنها به وسیله ۱۳ دروازه ای بود که اطرافش ساخته شده بود.

عرض خندق بیش از ۶ تا ۱۰ ذرع (۱ ذرع معادل ۱ متر و ۴ سانتیمتر) و عمق آن تقریباً ۴ ذرع بود و آخرین خندق شهر بود که در زمان ناصرالدین شاه حفر شده، محدوده شهر را نسبت به برج و باروهای که در عهد شاه طهماسب صفوی کشیده شده بود و بیش از یک فرسخ محدوده نداشت تا چهار برابر وسعت بخشیده بود.



تهران در گذشته های دور

«تهران»، پیش از اسلام و بعد از آن، از «ری» تبعیت داشته و «ری» از شهرهای بزرگ و معتبر مشرق زمین بوده است. ثروت سرشار مردم «ری» زبانزد مردم آن روزگار بوده است. نام «تهران» را در متون قدیم اسلامی در ترجمه احوال یکی از محدثین بزرگ به نام «محمد بن ابو عبدالله حافظ تهرانی» می بینیم این اثر مربوط به ۱۱۵۷ سال پیش است و این خود دلیل بر آن است که در آن روزگار دهکده ای به نام تهران وجود داشته و از آبادی های حومه ری به شمار می رفته است.

در متون قدیم از محلات عودلاجان و چال میدان و بازار و سنگلج به عنوان قدیمی ترین مناطق یاد شده است. مردم این دهکده مردمی سر سخت و باج نده و ستیزه جو بودند. همچنین تهران دوازده محله داشته و اهل هر محله با محله دیگر نزاع داشتند و به سلطان وقت خراج نمی دادند و خانه هایشان را نیز در زیر زمین می ساختند و این کار را برای جلوگیری از تهاجم شبانه و غارت سپاهیان می کردند و هرگاه خانه ها چنین نمی بود کسی آنجا باقی نمی ماند.

روزی که تهران پایتخت شد

تهران در گذشته از قراء ری بوده و ری که در تقاطع محورهای قم، خراسان، مازندران، قزوین، گیلان و ساوه واقع شده به سبب مرکزیت مهم سیاسی، بازرگانی، اداری و مذهبی از قدیم مورد نظر بوده و مدعیان همواره این مرکز سوق الجیشی را مورد تهاجم و حمله قرار می داده اند.

قریه تهران به واسطه برخورداری از مغاک ها و حفره های زیر زمینی و مواضع طبیعی فراوان و دشواری نفوذ در آنها پناهگاه خوبی برای دولتمردان و دیگر اشخاصی بوده که احتمالاً مورد تعقیب مدعیان قرار داشته اند.

از سوی دیگر، کاروان های بزرگی که از محورهای مورد بحث عبور می کردند شکارهای سودمندی بودند و اغلب مورد حمله چپاول

مردم بومی واقع می شدند. قریه تهران در واقع کانون چپاولگران و محل اختفای اموال مسروقه بود و این وضع تا زمان شاه طهماسب صفوی که قزوین را به عنوان پایتخت خود انتخاب نمود ادامه داشت. به عبارتی دیگر تهران ترقی و حرکت سریع خود به سوی پیشرفت را از سال انتقال پایتخت به قزوین آغاز کرد. شاه طهماسب صفوی به دلیل آنکه سید حمزه، جد اعلای صفویه در شهر ری و در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم مدفون بود گاه به زیارت می رفت. او با افزایش رفت و آمدهایش دستور داد پیرامون آن باروی محکمی برای وی بسازند.



همچنین دستور داد بناهای جدید بسازند که در سال ۹۷۱ هـ- ق با ایجاد ۱۱۴ برج (به تعداد سوره های قرآن) در تهران آغاز شد و وی دستور داد در زیر هر برج یکی از سوره های قرآن را دفن کنند. حصارى که دور تهران کشیده شد شش هزار قدم طول داشت و برای ساختمان آن و برج هایش از دو نقطه خاکبرداری کردند که بعد ها یکی از دو محل به "چاله میدان" و دیگری به "چاله حصار" معروف شد.

پس از انقراض صفویه، نادر شاه افشار در سال ۱۱۵۴ هـ- ق تهران را به رسم تیول به پسر خود رضا قلی داد و پس از افشاریه، کریم خان زند به علت درگیری و نزاع با آغا محمد خان قاجار و از آنجا که تهران در نزدیکی طبرستان (یعنی مقر اصلی آغا محمدخان) قرار داشت صلاح خود را در اقامت در تهران دید.

بعد از مرگ کریمخان زند، آغا محمد خان قاجار در سال ۱۲۰۰ هـ- ق در اول فروردین بر تخت سلطنت نشست و تهران را بعنوان پایتخت برگزید و "دارالخلافة" نامید.

انتخاب تهران به عنوان پایتخت از سوی خان قاجار چند علت داشته که مهم ترین آنها نزدیکی به اراضی حاصل خیز ورامین و مجاورت آن با محل استقرار ایلات ساوجبلاغ بوده است، مضافا ایلات غرب ساکن در ورامین، یعنی هواخواهان وی در حوالی تهران

اقامت داشتند و جز این، تهران با استرآباد و مازندران که در حقیقت ستاد اصلی نیروهایش بود فاصله چندانی نداشته است.

در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار بر اثر موج حرکت ایران به سوی غرب، تهران بیش از پیش آباد گردید. از جمعیت تهران در دوره فتحعلی شاه اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی به طوری که در کتاب جام جم معتمدالدوله فرهاد میرزا آمده است جمعیت تهران در زمان ناصرالدین شاه، صد و پنجاه هزار نفر رسیده بود. ناصرالدین شاه دو نفر را مامور کرد که محدوده و نقشه ای برای پایتخت در نظر بگیرند و با وسعت بیشتری به حفر خندق های جدیدی در اطراف تهران پردازند.

منبع:تنبیان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۸۵۲۰/پایتخت-چگونه-تهران/>